

«مطالعات فرهنگی موسیقی» ۱

موسیقی‌شناسی قومی

داربختی‌نگری موسیقی ایران

محسن جباریان



آب‌ی پارس
پل نهرود



موسیقی ایرانی -- تاریخ	موضوع:	حجاریان، محسن، ۵.	سرشناسه:
*Music, Iranian -- History	موضوع:	موسیقی شناسی قومی: تاریخی نگری، موسیقی ایران، محسن	عنوان و نام پدیدآور:
موسیقی اسلامی -- ایران	موضوع:	حجاریان؛ به سفارش موسسه غیرحجاری ایران، موسسه	
Islamic music -- Iran	موضوع:	تهران: موسسه آبی پارس؛ انتشارات پل فل، ۱۳۹۰.	مشخصات نشر:
موسیقی -- ترکیه	موضوع:	۳۲۶ ص.	مشخصات ظاهری:
Music -- Turkey	موضوع:	موسیقی شناسی؛ ۱.	فروست:
موسیقی عربی -- تاریخ و نقد	موضوع:	۹۷۸۶۲۲۹۵۲۸۵۷۰	شابک:
Arabs -- Music -- History and criticism	موضوع:	وضعیت فهرست نویسی دنیا	یادداشت:
موسسه غیر تجاری آبی پارس	شناسه داده:	کتابنامه.	
ML ۳۴۲/۵ / ج ۳ م ۱۳۹۸	رده بنای ی. س.:	موسیقی -- ایران -- تاریخ و نقد	موضوع:
۷۸۹/۸۵	رده بنای دیویر:	Music -- Iran -- History and criticism	موضوع:
۵۶۱/۲۲۸	شماره کتابشناسی:	موسیقی -- ایران -- مقاله ها و خطابه ها	موضوع:
		Music -- Iran -- Addresses, essays, lectures	موضوع:
۱۲۸	چاپ یکم:		
۲	شمارگان:		
۹۷۸۶۱۰۸۵۷۰	شابک:		
هاشم پناه پور	ویراستار:		
فائزه حجاری زاده	نسخه برداری:		
سپیده کیانی	صفحه آرایی:		
چاپ و صحافی: پردیس دانش			
سولماز مالک	طرح جلد:		

موسیقی شناسی قومی تاریخی نگری موسیقی ایران محسن حجاریان

موسسه آبی پارس؛ انتشارات پل فیروزه

تصویر روی جلد: بخشی از نسخه خطی پنج گنج به شماره ۲۲۶۵ برگ ۷۷، محفوظ در کتابخانه بریتانیا.

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	پراکنش موسیقی ایران و ترک و عرب
۴۱	اشتراک مفاهیم موسیقی از دیدگاه شارحان پیشین
۵۵	تشیع تاریخی و موسیقی دستگاهی
۷۱	دستگاه‌شناسی: برداشتی تنوریکی - تاریخی
۸۹	جمع‌انگاره‌شناسی تاریخی و موسیقی ایران
۱۰۹	«مقام» در موسیقی‌شناسی ایران
۱۳۷	مقاله‌ها، نادرست برای موسیقی اقوام ایران
۱۴۷	مآخذ و موسیقی ایران
۱۵۹	نمودار توانایی در موسیقی ایران
۱۹۹	موسیقی‌شناسی: برداشتی از تاریخ بیهقی
۲۳۹	اشاره‌های موسیقی در تاریخ جهانگشای جوینی
۲۵۹	دوازده مقام ایغوری در سفرنامه خواجه غیاث‌الدین
۲۷۳	ابن‌سینا و موسیقی
۲۹۱	فارابی و دو ترجمه از کتاب موسیقی
۳۰۶	فهرست منابع
۳۱۲	نمایه

پیشگفتا

این اصل عام و کلی که هرچه انسان به دست خود و با ذهن و اندیشه خود می‌آفریند بر انسان اثر دارد. آفریده انسان محصول اندیشه انسانی است و در این میان، موسیقی هم حتمی‌ترین اندیشه آدمیان است. می‌توانیم اولین پرسش خود را در باب موسیقی چنین مطرح سازیم: آیا به راستی انسان‌ها بر اصوات موسیقی، به مثابه پدیده‌ای ساخته انسان، اثر دارند؟ ما در مورد آداب و رسوم و زبان و کردار و مناسک و نظام خانواده و در یک کلام تمام آن‌ها که مردمان پژوهش می‌کنیم و تا اندازه‌ای هم به قوانین درونی آن‌ها پی می‌بریم و آن‌ها را به خود و دیگران معرفی می‌کنیم. به همین ترتیب هم، موسیقی مردمان اینوئیت (آلکویما)، سرخپوستان، زولوها در آفریقا و ساکنان کوهپایه‌های آند و بربرهای شمال آفریقا را مطالعه می‌کنیم. فراموش نمی‌کنیم که موسیقی این مردمان، از زوایای بسیاری، از فلسفه‌ای تا رابطه زبان و ادبیات و شعر و رقص و افسانه و اساطیر و عزا و شادمانی و در عین حال نیز حالات روحانی، همه در محتوای فرهنگ و تاریخ و جامعه تنیده شده و در دسترس مطالعه‌ای می‌زنیم، از زوایای دیگر به کشف موضوعات جدید اذعان می‌کنیم.

در کنار بررسی موسیقی در درون فرهنگ، باید به پدیده‌های جامعه و تاریخ نیز توجه جدی کرد. سه پدیده سازنده سرگذشت انسان یعنی جامعه و فرهنگ و تاریخ، همه با سرنوشت موسیقی گره خورده‌اند. جامعه جایگاهی است که موسیقی در آن آفریده می‌شود و پرورش می‌یابد و به پاره‌ای از فرهنگ مبدل و سپس به دست تاریخ سپرده می‌شود و تاریخ آن را دگرگون می‌سازد. این سه پدیده رابطه‌ای تودرتو و دیالکتیکی دارند و نمی‌توان تأثیر آن‌ها را بر یکدیگر از هم جدا ساخت، با این حال،

هرکدام به نحوی و با کرداری مشخص موسیقی را در دامن خود پرورش می‌دهند و موسیقی هم به ماهیت و جایگاه هر یک به نحوی می‌نگرد. ارتباط درونی این سه پدیده و تأثیر آن‌ها بر عینیت و ذهنیت موسیقی امری است پیچیده و برداشت موسیقی‌شناس قومی از این سه جریان می‌تواند راه شناخت موسیقی را هموارتر سازد. از مبانی عام تنوریک تا موضوعات خاص و از کلی‌ترین تا جزئی‌ترین موارد شناخت موسیقی ایران، همه از اهم گفتمان اتنوموزیکولوژی است که رواج آن مستلزم دگربردش و دانش این رشته در ایران است که می‌باید با خلاقیت موسیقی‌شناسان و اتنوموزیکولوگ‌های ایرانی مسیر خود را بیابد و اسیر دنباله‌روی‌های بی‌جا در جهانی سرگردان نشود. وقتی ما واژه اتنوموزیکولوژی را در زبان فارسی به همین صورت به کار می‌بریم می‌دانیم که واژه بیگانه است، تصور می‌کنیم که در اثبات مباحث خود نیز باید به آن واژه گفته‌ها و نقل‌قول‌های بیگانگان تکیه کنیم. استقلال در بیان اندیشه موسیقی‌شناسی خود به مفهوم بی‌نیازی از جامعه علمی بشری نیست؛ برعکس موجب سر بلند است که ما هم بتوانیم در برابر تلاش‌ها و پژوهش‌های آنان، دستاوردهای علمی خود را به جامعه جهانی تقدیم کنیم. ما باید تفاوت همفکری‌های علمی را با پخش‌واری‌های گجانشینی تشخیص دهیم. همان اندازه که آنان در موسیقی‌شناسی علمی به ما آری می‌رسانند، ما هم باید آنان را یاری دهیم و دانش موسیقی‌شناسانه خود را در سطحی بالاتر در اختیارشان بگذاریم. آدمیان یک خانواده اندیشمندند و هر مردمانی، در هر نسله‌ای از این آفاق پهناور، به فراخور توان فکری و آرمان‌های علمی، دانش خود را به جوامع انسانیه اهدا می‌کنند. دانش اتنوموزیکولوژی در ایران می‌باید به دنبال یافتن مسیر خود باشد. اما در این اوضاع، هر بار که به سرنوشت اتنوموزیکولوژی در ایران می‌اندیشم، اندوه سنگینی بر قلب و افکارم حمله می‌شود و نمی‌توانم در برابر کژروی آن بی‌تفاوت بمانم. به گمان من و کسانی دیگر، موسیقی ایران رو به انحطاط نهاده و موسیقی‌شناسی ایران هم که بخشی از آن است، و در این لحظات خطیر و بحرانی می‌باید نقش سازنده خود را ایفا کند، در گمراهی‌ها سرگردان مانده است. اتنوموزیکولوژی ایرانی سال‌هاست خبر از پیرشانی می‌دهد. عده‌ای از دست‌اندرکاران دانشکده‌های موسیقی، با کم‌خردی در ساخت واژه‌های من‌درآوردی و بی‌پایه مانند نبود فرم در بعضی آثار یا تعریف آهنگسازی یا ترجمه بعضی از ترم‌ها، بدعت‌هایی نهاده‌اند و جای شگفتی نیست که در این گیرودار و

وانفسا، کورانی عصاکش کوران دیگر شده‌اند. این جماعت، دن کیشوت وار، در خیال خود تصویری از واژه‌ای یا مفهومی می‌سازند و می‌پندارند در خارج از ذهن آن‌ها هم چنان است و دیگران هم باید همان را تصور کنند. آنان تصور می‌کنند خیالشان با «واقعیت» سازگار است و آن «واقعیت» همان «حقیقت» است، پس به «حقیقت» دست یافته‌اند. بی‌تردید این پریشان‌حالی، به موازات سرنوشت موسیقی ایران، نقش تباہ‌کننده خود را برجا نهاده و هر زمان افزون‌تر می‌شود و ما از فروپاشی جایگاه معنور موسیقی ایران از این جنبه غافل مانده‌ایم. پرسش این است که در این میان «چه باید کرد؟»

رشن است که پیشگفتار کتاب جای گله‌گزاری و درد دل نیست، اما در سخن از موسیقی شایسته، در مردمانی در جهان، بخشی از نیروی معنوی خود را صرف چنین فرسایش‌های جان‌ساز کرده‌اند که بر فرهنگ ما تحمیل شده است. این‌ها همه نشان‌دهنده اعوجاج نگرشی است که موسیقی ما را به پرتگاه تباہی و نابودی و بی‌هویتی کشانده است. این، زن‌ها همه نشان از خون دلی دارد که از لعل موسیقی ایران فوران می‌کند.

عنوان «موسیقی‌شناسی قومی» نمی‌تواند برگیرنده همه انواع موسیقی‌های دستگاهی ایران، راگ‌های هندی، نوبات اژسی و مشابه آن‌ها باشد؛ با این حال، از آنجا که مفهوم «اتنو» را می‌توان به ملت‌ها هم تعمیم داد، کاربرد ضمنی آن برای موسیقی دستگاهی ایران نیز توجیهی می‌یابد. اتنو، نوزیک، لوژی مبحثی است میان‌رشته‌ای، یعنی گفتمان خود را با ترکیب چندین دیدگاه متناوب مطرح می‌سازد. از این رو، در هریک از گفتارهای این کتاب، با برداشت‌هایی از شاخه‌های دور و نزدیک، به تحلیل و تفسیر و نقد موضوعات پرداخته شده است. این گفتارها بیشتر در پایگاه انسان‌شناسی و فرهنگ قرار گرفته است و تعداد دیگری نیز در جلدی دیگر در دسترس خوانندگان قرار خواهد گرفت. در این مجموعه گفتارها کوشش شده تا موضوعات به یکدیگر نزدیک باشند. گفتارهای این کتاب در زمینه‌هایی دنباله مباحث کتاب مکتب‌های کهن موسیقی ایران است و آن‌ها را تکمیل می‌کند. خستگی و دمسردی و بدعهدی ایام این فرصت را از من گرفت تا به بازبینی این گفتارها بپردازم و گفتنی‌های دیگری بر آن‌ها بیفزایم، و آن‌ها را همان‌گونه که بود در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار می‌دهم.